

« چهاردهمین شرح از دعای ابوحمزه ثمالی »



گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

یکی از آداب و سنن دعا پرهیز از استکبار است و استکبار اختصاص ندارد به اینکه کسی کافرانه زندگی کند یا عاصیانه به سر ببرد؛ اگر کسی مطیع بود، واجب ها را انجام داد و محرمات را ترک کرد و این توفیقات را از خود دانست، یک نحوه استکبار است. کسی عالم شد و عمل کرد، توفیق تحصیل علم و امتثال دستورات الهی را از خود دانست، این هم یک نحوه استکبار است. بهترین راه برای نجات از استکبار آن است که انسان اسمای حسناي الهی را رقم بزند و با بیان و بنان بازگو کند و همه کمالات را به خدا إسناد دهد و همه نقص ها را به خود.

در دعای نورانی عرفه سیدالشهداء (سلام الله علیه) این است؛ یک فرازهای فراوانی دارد که أنت الَّذِي أَحْسَنُ، أَنْتَ الَّذِي كَذَا و كَذَا و كَذَا، اسمای حسناي إله را می شمارد. بعد نقصان ها و قصور و خطیئات و سیئات خود را یادآور می شود. أَنَا الَّذِي كَذَا، أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ و مانند آن. مشابه آن در دعای عرفه امام سجاد (سلام الله علیه) است و در دعای سحر ابوحمزه ثمالی هم هست.

در این بخش وجود مبارک امام سجاد اسماء حسنی و کرائم اخلاقی و مکارم الهی را ذکر می کند، بعد مکاره خود را هم یاد می کند. در برابر آن مکارم، این مکاره است. در برابر آن کرامت ها این کراهت ها هست. در برابر آن اوج ها این حضيض ها هست. عرض می کند: پروردگارا ! تو اگر درباره پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان نمونه فرمودی: أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى، وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى، وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى(2)، همه این ضعف ها را ما داشتیم.

وجود مبارک امام سجاد (ع) میفرماید:

"أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّبْتَهُ وَ أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَنْتَهُ وَ الْجَانِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَ الْفَقِيرُ الَّذِي أَعْنَيْتَهُ وَ الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَ الدَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ، وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَ السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ وَ الْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَ الْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَتَهُ وَ أَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَ الْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوَيْتَهُ "

در قرآن کریم ذات اقدس إله به مردم مگه فرمود: فَالْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ(3). اینجا هم امام سجاد عرض می کند: ما همه بندگان این چنین بودیم. امنیت نداشتیم، تو دادی؛ اقتصاد نداشتیم، تو دادی. وجود مبارک ابراهیم خلیل عرض می کند: إِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي (4)، خدا شافی است. امام سجاد عرض می کند: ما بیمار بودیم، تو شفا دادی. پس آنچه درباره پیغمبر آمد، آنچه درباره مردم مگه آمد، آنچه درباره سنت و سیرت ابراهیم خلیل آمد و آنچه درباره انبیاء و اولیای دیگر آمد، وجود مبارک امام سجاد (سلام الله علیه) همه این ها را جمع بندی کرد و به این صورت بازگو کرد؛ عرض کرد: پروردگارا ! من کوچک ای بودم که تربیت کردی؛ جاهل ای بودم که

تعلیم کردی؛ گمراهی بودم که هدایت کردی؛ پستی بودم که بلند کردی؛ ترسان ای بودم که امنیت دادی؛ گرسنه ای بودم که سیر کردی؛ تشنه ای بودم که سیراب کردی؛ برهنه ای بودم که پوشانیدی؛ فقیری بودم که توانگر کردی. تو تُهی دست را توانگر کردی. ضعیف ای بودم که قوی کردی؛ فرومایه ای بودم، عزیز کردی؛ بیمار بودم، شفا دادی؛ از تو سؤال کردم، چیزی خواستم، عطا کردی، نا امید نکردی؛ گناه کردم، پوشانیدی؛ اشتباه کردم، استقاله کردم، تو عقاله کردی؛ یعنی پشیمان شدم، پشیمانی ما را پذیرفتی؛ اندک بودم، تکثیر کردی؛ مستضعف بودم، یاری کردی؛ رانده بودم، بی مکان و بی جا بودم، جا دادی. "فَلْكَ الْحَمْدُ"

مستحضرید شمارش اسمای حُسنای حَقّ از يك سو، شمارش اسمای قبیح و نقصانات ممکن و بنده و برده از سوی دیگر و ترمیم این نقص ها به لطف و عنایت خدای جَبّار که جبران کننده هر نقص و ضعف است. از سوی دیگر، این مجموعه زمینه استحقاق حمد خدا را فراهم می کند. در پایان نتیجه گرفت؛ عرض کرد: فَلْكَ الْحَمْدُ (تو ستایش حمدی)

بعد عرض می کند:

"يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَ لَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي أُعْطِيتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشْمَا أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ"

خدایا! من نه در خلوت، نه در جلوت حیا نکردم و گناه کردم! انا یا ربّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ. من حاضر نبودم در ملاء و در حضور دیگران، گناه کنم. اما در خلوت و تنهایی حیا نکردم. من صاحب مصیبت های عظیم ام. من کسی هستم که بر مولای خود جرأت کرده است. من کسی هستم که جَبّارُ السَّمَاءِ را معصیت کرده است. من کسی هستم که وقتی خیر معصیت دادند، من مقدمات اش را فراهم می کردم، کمک می کردم، به کسی چیزی می دادم، به کسی که وسیله معصیت را برای من فراهم بکنند. من کسی هستم که مهلت دادی، من رعایت نکردم؛ پوشانیدی، حیا نکردم؛ به معصیت عمل کردم، تعدی کردم، تو مرا از چشم رحمت ات رانیدی، من حیا نکردم! اَمَّا مَعَ ذَلِكَ تَوَرَّيْ هَمَّهٔ اَيْنَ رَا بَا بَرْدَهٔ عَفُوٓ پوشانیدی.

"و بِجَلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي وَ بِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ أَسْتَحْيِيْتَنِي وَ مِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيِيْتَنِي"

خدایا! آنقدر محبت کردی که گویا من هیچ بدی نکردم! گرم خدا، این که گفته شده است: گرم او نامتنهی، نعم اش بی پایان، تنها از نظر کمّی گرم او نامتنهی نیست! از نظر کیفی هم گرم او نامتنهی است. اگر ما نسبت به کسی بد کردیم، او نسبت به ما مهربانی روا داشت، ما هر وقت او را می بینیم، شرمزده ایم. و بخواهیم این شرم درونی را برطرف کنیم، توان آن را نداریم! ولی ذات اقدس إله توانمند است که این خطر را هم برطرف کند. اگر تبهکاران بهشت رفتند، یادشان باشد که گناه کرده اند، در بهشت شرمزده اند. در حالی که در بهشت رنج و عدم و اندوه و غم نیست! خدا این شرم را هم می زداید. خدا که مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ است از یاد تبهکاران و تیره دلان محو می کند که اینها سابقه سوء داشتند. لذا همانند پرهیزکاران در بهشت منتعم اند. اصلاً یادشان نیست که گناه کرده اند تا در بهشت شرمزده باشند! این کار از غیر خدا بر نمی آید.

کسی نسبت به ما بد کرد، حداکثر اینکه ما نسبت به او احسان کنیم و به رُخس نیاوریم و به دیگران هم نگوئیم. اما هرچه او را بُنَوَازیم، او شرمزده تر می شود. بخواهیم آن رنج درون را از او بزدانیم، توان آن را نداریم. ما که مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ نیستیم که بر خاطره او سلطه داشته باشیم! تا آن خاطرات گذشته از یادش رفت، شرمزده است.

ولی ذات اقدس إله اینچنین می کند؛ یعنی تبهکار را مانند پرهیزکار می پذیرد، با دعا و نیایش و توبه و کُرنش اولاً. او را وقتی وارد بهشت کرد، همانطوری که وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غُلٍّ (5)، هرگونه غلّ و خیانت و کینه توزی را از قلب بهشتیان می زداید، از قلب چنین

تبهکار بد سابقه ای می زدید که او سابقه سوء داشت. وقتی از یادش رفت، دیگر شرمنده نمی شود. چنین خدائی اوست!! هر چه بخواهیم، او دارد. هر چه بخواهد، می تواند. و هرگز خزینه کرم او به پایان نمی رسد.

لذا در این پایان عرض می کند:

"لَمْ أَغْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَادِدٌ وَ لَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَ لَا لِعَفْوِيَّتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ"

خدایا! من وقتی که معصیت کردم، روی استکبار نبود و هرگز ربوبیت تو را انکار نکردم! امر تو را سبک نشمردم و خود را در معرض عقوبت تو نیاوردم و وعید تو را سبک و خار نشمردم، لکن اشتباه کردم، غفلت کردم، بد کردم، شهوت بر ما غالب شد، غضب بر من غالب شد.

"لَئِنْ حَاطَبَةً عَرَضْتُ وَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي"

این تسویل نفس اگر ذات اقدس اله توفیق داد باید در نوبت دیگر بازگو بشود که نفس مسوله چیست، چه خطری را به همراه دارد که امیدواریم خداوند ما را از شرور آنفس ما، مخصوصاً از شرور نفس مسوله و آماره برهاند!

پی نوشتها:

- (1)سورة نمل / آية 62
- (2)سورة ضحي / آيات 6 تا 8
- (3)سورة قريش / آيات 3 و 4
- (4)سورة شعراء / آية 80
- (5)سورة اعراف / آية 43 و سورة حجر / آية 47

برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملی